
قدرت اشغالگر و حفاظت از اموال در سرزمینهای اشغالی؛ با تاکید بر سرزمین فلسطین

پوریا عسکری*

دیباچه

ماده ۴۲ مقررات لاهه مصوب ۱۹۰۷،^(۱) در تعریف اشغال نظامی بیان می‌دارد: «زمانی سرزمینی اشغال شده محسوب می‌شود که تحت نفوذ قوای معارض باشد.» از منظر ماده ۲ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹: «این کنوانسیون‌ها در هر گونه موارد اشغال تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول متعاقد نیز معتبر است حتی چنانچه اشغال با هیچ‌گونه مقاومت نظامی، مواجه نشده باشد.» مطالعه مقررات فوق ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که به طور کلی حقوق بین‌الملل، پدیده‌ی اشغال را به عنوان یک

* پوریا عسکری، دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبایی و مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. (pouria_askary.teh@icrc.org)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۱ پذیرش: ۱۳۸۸/۹/۲۴
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال ششم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۷۶-۱۵۷.

وضعیت عینی در نظر گرفته و عمدتاً نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بر آن حاکم نموده است. اصول نظام حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر اشغال و به طور خاص تعهدات قوای اشغالگر در مواد ۴۲ تا ۵۶ قواعد لاهه ۱۹۰۷، مواد ۳۴-۲۷ و ۴۷ و ۴۸ کنوانسیون چهارم ژنو، مفاد پروتکل یکم الحاقی ۱۹۷۷ و حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی گنجانده شده است که در ادامه به اختصار مورد توجه قرار خواهیم داد. اما آنچه از بررسی کلی این مواد به دست می‌آید، تمرکز عمده و اصلی آنها بر حقوق جمعیت ساکن در مناطق اشغالی است. مطابق ماده ۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو: «اشخاص مورد حمایت در اراضی اشغالی در هیچ مورد و به هیچ وجه از مزایای این کنوانسیون محروم نخواهند شد؛ حتی به موجب موافقتنامه‌ای که بین مقامات اراضی اشغالی و قوای اشغالگر منعقد شده باشد.» حتی خود این افراد نیز به موجب ماده ۸ کنوانسیون چهارم ژنو نمی‌توانند از حقوقی که به موجب حقوق بین‌الملل برای آنها در نظر گرفته شده است صرف‌نظر نمایند. قواعد اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر وضعیت اشغال نظامی به قرار زیر است^(۲):

- اشغال نظامی یک سرزمین، لزوماً به معنای حاکمیت قوای اشغالگر بر آن سرزمین نیست؛

- اشغال صرفاً یک وضعیت موقتی است و حقوقی که از این رهگذر به قوای اشغالگر اعطا می‌گردد تنها مختص به همین دوران موقت است؛

- قوای اشغالگر، باید به قوانین حاکم در سرزمینهای اشغالی پایبند باشد مگر آنکه مفاد این قوانین، تهدیدات امنیتی برای قوای اشغالگر در پی داشته یا آنکه مانع اجرای قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر دوران اشغال باشد؛

- قوای اشغالگر موظف است تا سرحد امکان، نظم عمومی و امنیت را در مناطق اشغالی مستقر نماید و نیز تامین بهداشت، سلامت و آذوقه جمعیت ساکن در سرزمینهای اشغالی برعهده اشغالگران است؛

- قوای اشغالگر نمی‌تواند به زور جمعیت ساکن در سرزمینهای اشغالی را در

ارتش خود به کار گیرد؛

- جابه‌جایی اجباری جمعیت غیرنظامی به صورت فردی یا جمعی، در داخل سرزمینهای اشغالی و یا خارج از آن ممنوع است؛ همچنین انتقال اجباری یا اختیاری شهروندان غیرنظامی قوای اشغالگر به سرزمینهای اشغالی منع شده است؛

- مجازات دسته جمعی، گروگان‌گیری، توسل به اقدامات تلافی‌جویانه علیه غیرنظامیان و یا مایملک آنان ممنوع است؛

- محاکمه متهمان و مظنونین، تنها از طریق مراعات تضمینات قضایی شناسایی

شده بین‌المللی مجاز است؛

- قوای اشغالگر باید فعالیت پرسنل جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در

سرزمین‌های اشغالی را تسهیل و تضمین نماید؛ به ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ باید به تمام افراد تحت حمایت ولو در بازداشت دسترسی داشته باشد؛

- تصرف یا تخریب اموال و دارایی‌های عمومی توسط قوای اشغالگر ممنوع است،

مگر آنکه ضرورت نظامی توجیه‌گر چنین اقدامی باشد؛

- مصادره اموال خصوصی ممنوع است و اموال فرهنگی باید مورد حمایت

باشند.^(۳)

پس از مرور اجمالی بر اهم وظایف و تعهدات قوای اشغالگر، بحث اصلی در

خصوص وظایف قوای اشغالگر در قبال اموال عمومی، اموال خصوصی و اموال

فرهنگی و مذهبی مستقر در سرزمینهای اشغالی و به طور خاص سرزمین‌های

فلسطینیان را ادامه می‌دهیم. اما پیش از آن، با اشاره به برخی از اسناد سازمان ملل متحد

در خصوص اقدامات قوای اشغالگر در سرزمین فلسطین، وقایع امر را مورد بررسی و

کندوکاو قرار می‌دهیم.

مروری بر اسناد و گزارشهای سازمان ملل متحد در خصوص تعهدات قوای اشغالگر فلسطین در حمایت از اموال مستقر در این سرزمین

رژیم اسرائیل از اوایل دهه ۱۹۷۰ در سرزمینهای فلسطینی و دیگر مناطق عربی تحت اشغال خود، اقدام به شهرک‌سازی نموده است.^(۴) در سال ۱۹۷۹ شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد این اقدامات اسرائیل را نقض حقوق بین‌الملل، کنوانسیون چهارم ژنو و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد دانسته‌اند. شورای امنیت در قطعنامه ۴۴۶ مورخ ۲۲ مارس ۱۹۷۹ اعلام نمود^(۵) سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل که به شهرک‌سازی در سرزمینهای فلسطینی و دیگر مناطق عربی اشغالی منجر شده است، اعتبار قانونی و حقوقی ندارد^(۶) و کمیسیونی را مسوول بررسی اوضاع نمود.^(۷) کمیسیون مزبور سه گزارش در تاریخهای ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹،^(۸) ۴ دسامبر ۱۹۷۹^(۹) و ۲۵ نوامبر ۱۹۸۰ تهیه و به شورای امنیت ارائه داد. بر طبق این گزارشها، شهرک‌سازی اسرائیل در مناطق اشغالی، پیامدهای زیر را به دنبال داشته است: آوارگی جمعیت عرب، تصرف غیر قانونی زمینها و منابع آبی، تخریب منازل، تبعید افراد و بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی واقع در سرزمینهای اشغالی.

طبق گزارشی که در مورد وضعیت حقوق بشر در مناطق فلسطینی از سوی مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۰ منتشر شد^(۱۰)، اسرائیل از سال ۱۹۶۷ حدود ۶۰ درصد از کرانه باختری رود اردن، ۳۳ درصد از نوار غزه و تقریباً ۳۳ درصد از زمینهای فلسطینیان در بیت‌المقدس را برای مصارف عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی توقیف نموده است. مطابق این گزارش، قوای اشغالگر بارها به قصد تنبیه غیرنظامیان خانه‌های فلسطینیان را به شدت تخریب نموده و همچنین سیاست تخلیه اجباری کلیه روستاها را به اجرا درآورده‌اند. از سال ۱۹۸۷، ۱۶۷۰۰ فلسطینی از جمله ۷۳۰۰ کودک به همین شیوه، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند. اسرائیل در سال ۱۹۹۹، ۳۱ خانه فلسطینیان در بیت‌المقدس شرقی و ۵۰ خانه در کرانه باختری را تخریب کرده است. این گزارش می‌افزاید اقدامات اشغالگرانه اسرائیل بر محیط زیست

سرزمینهای اشغالی فلسطینیان تاثیر می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به تخریب تجهیزات زیربنایی، توقیف زمینها، کاهش منابع آبی، ریشه‌کن نمودن درختان، تخلیه زباله‌های سمی و دیگر آلاینده‌ها اشاره کرد.

سایر گزارشهایی که در بخشهای مختلف سازمان ملل متحد نیز از سال ۲۰۰۰ تا امروز تهیه شده است، به موارد مشابهی اشاره دارند.^(۱۱) پروفیسور جان دوگارد، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی فلسطین، در گزارش ۱۷ اوت ۲۰۰۷ خود^(۱۲) با توجه به تمام اقدامات بین‌المللی و نیز صدور نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری^(۱۳)، اسرائیل را بی‌توجه به این موارد و ناقض تعهدات بین‌المللی خود به عنوان قوای اشغالگر در باریکه غزه و سایر مناطق معرفی می‌کند. دوگارد در این گزارش، به ادامه ساخت دیوار حائل، گسترش شهرک‌های اسرائیلی در مناطق اشغالی کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس و تخریب منازل مسکونی فلسطینیان در این مناطق اشاره دارد و در پایان از مجمع عمومی می‌خواهد تا بار دیگر نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را جویا شود و این بار به آثار ناشی از تداوم اشغال بر ساکنین سرزمینهای اشغالی، قوای اشغالگر و دول ثالث اشاره نماید.

کمیته ویژه سازمان ملل متحد برای بررسی آثار اقدامات اسرائیل بر حقوق فلسطینیان نیز در سی و نهمین گزارش خود که در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۷ در اختیار مجمع عمومی قرار گرفت^(۱۴) با یادآوری اینکه " اشغال " فی نفسه به منزله نقض حقوق بشر می‌باشد و با تاکید بر ادامه ساخت دیوار حائل و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری، به نقض حقوق فلسطینیان توسط قوای اشغالگر اشاره می‌نماید. در این گزارش قید شده که از زمان صدور نظر مشورتی دیوان مبنی بر مغایرت ساخت دیوار حائل با حقوق بین‌الملل، ۲۰۰ کیلومتر به طول دیوار افزوده شده که منجر به بی‌خانمانی ۱۱۰۰۰ نفر از فلسطینیان گردیده است. این گزارش به تخریب ۴۰ واحد مسکونی از نوامبر ۲۰۰۶ تا زمان تهیه گزارش در بیت‌المقدس اشاره می‌کند و خواهان پرداخت

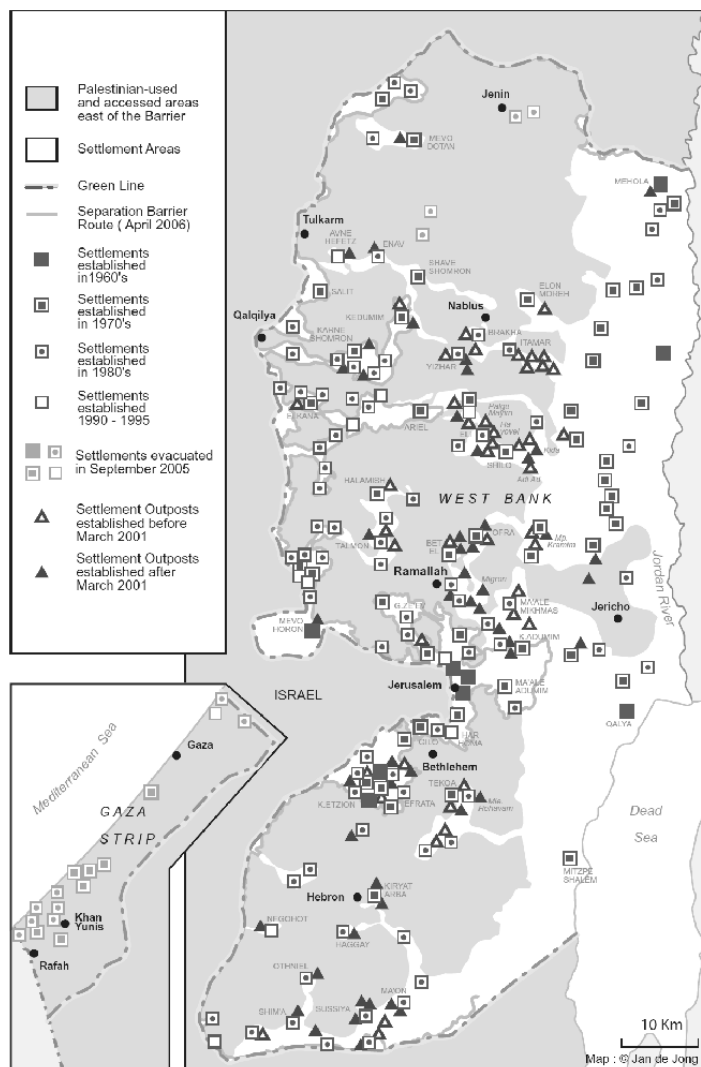
گرامت از سوی اسرائیل به صاحبان این اماکن شده است.

مجمع عمومی در قطعنامه‌ای دیگر از گسترش ساخت شهرک‌های اسرائیلی در کرانه باختری رود اردن ابراز نگرانی می‌نماید^(۱۵) و به دنبال آن کمیته ویژه، گزارش سال ۲۰۰۸ خود را منتشر می‌کند.^(۱۶) کمیته ویژه در این گزارش با اشاره به نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و برخی قطعنامه‌های صادره در سازمان ملل متحد،^(۱۷) بار دیگر از مقررات لاهه ۱۹۰۷ و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ به عنوان اصلی‌ترین معاهدات قابل اعمال در سرزمین‌های اشغالی یاد می‌کند و تاکید می‌ورزد که مطابق این اسناد بین‌المللی، اقدامات اسرائیل در ساخت شهرک‌ها و انتقال اتباع خود به این اماکن، نقض کنوانسیون چهارم ژنو، محسوب می‌گردد. گزارش بیان می‌دارد که نه تنها ساخت شهرک‌ها بلکه سایر اقدامات وابسته به آن از جمله سلب مالکیت زمین‌ها، تخریب باغات و منازل، بهره برداری از منابع آبی و غیره نیز همگی متخلفانه و غیر قانونی محسوب می‌شود. مطابق این گزارش، از سال ۱۹۶۷ تا پایان ۲۰۰۷، تعداد ۱۲۰ شهرک در کرانه باختری ساخته شده، حدود ۱۰۰ شهرک غیر رسمی نیز که مورد شناسایی مقامات اسرائیل قرار نگرفته در این مناطق بنا شده و حدود ۴۵۰.۰۰۰ نفر در این شهرک‌ها سکونت می‌کنند.

مجمع عمومی در قطعنامه ۱۰ ژانویه ۲۰۰۸^(۱۸) بار دیگر حقوق بین‌المللی بشردوستانه و به‌ویژه کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ را بر سرزمین‌های اشغالی حاکم می‌داند و ضمن اینکه اشغال را به منزله نقض فاحش حقوق بشر قلمداد می‌نماید، از ادامه تخریب منازل فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل، ابراز نگرانی می‌کند. در جریان جنگ ۲۲ روزه در نوار غزه نیز، بار دیگر شورای امنیت، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و مخبر ویژه آن، ضمن تاکید بر تحت اشغال بودن نوار غزه، بر مراعات حقوق بین‌المللی بشردوستانه به عنوان تعهد قوای اشغالگر در این مناطق تاکید نموده‌اند و به ویژه شورای حقوق بشر در قطعنامه ژانویه ۲۰۰۹ خود با محکومیت اقدامات نظامیان اسرائیل در تخریب اماکن و بناهای فلسطینیان، بر تعهدات

ناشی از کنوانسیون چهارم ژنو مبنی بر حمایت از اموال عمومی، خصوصی و فرهنگی تاکید نمود.^(۱۹) شورا همچنین در خصوص شهرک‌های اسرائیلی در اجلاس سال ۲۰۰۹ خود بیان می‌دارد که شهرک‌سازی اسرائیل در مناطق اشغالی، "نقض بسیار جدی"^(۲۰) حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در حق فلسطینیان است.^(۲۱) نقشه زیر، به وضوح شرایط حاصل از ساخت شهرک‌ها را به تصویر کشیده است.^(۲۲)

Settlements Established and Evacuated 1967 - 2008



تعهدات حقوقی قوای اشغالگر در قبال اموال عمومی موجود در سرزمینهای اشغالی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه به عنوان نظام حقوقی حاکم بر اشغال و سرزمینهای اشغالی، اموال عمومی را به دو شق منقول و غیر منقول طبقه‌بندی می‌کند. اموال عمومی منقول را که برای عملیات نظامی نیز قابل استفاده باشند می‌توان مصادره کرد.^(۲۳) ارتش اشغالگر تنها در مورد پول نقد، موجودی‌ها و ضمانت‌های قابل تبدیل به پول نقد که جزو مایملک کشور هستند، انبارهای اسلحه، وسایل نقلیه، انبارهای آذوقه و به طور کلی هر مال منقول دولتی که در عملیات نظامی نیز کاربرد داشته باشد، می‌تواند ادعای مالکیت کند. البته مقررات لاهه در خصوص برخی از اموال منقول نیز قائل به استثنا شده و در ماده ۵۳ مقررات ۱۹۰۷ آمده است که اموال شهرداری‌ها و اموالی که موسسات، وقف فعالیت‌های مذهبی، خیریه، آموزش و پرورش، هنری و علمی کرده‌اند، حتی اگر از جمله اموال دولتی باشند باید به عنوان دارایی خصوصی در نظر گرفته شده و مصادره، تخریب یا هر گونه ایراد آسیب عمدی به این اموال، ابنیه تاریخی و آثار هنری و علمی ممنوع است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی اموال عمومی منقول دولتی که برای عملیات نظامی قابل استفاده باشند، ممکن است از سوی قوای اشغالگر مصادره شود. اما دو نکته حائز اهمیت در این خصوص وجود دارد: نخست آنکه قوای اشغالگر چنانچه اموال عمومی منقول دولتی را بر طبق ضوابط و مقررات جنگ مصادره نماید، به پرداخت غرامت محکوم نخواهد شد و دوم آنکه، بحث مصادره و توقیف اموال، منصرف از بحث انهدام اموال است. بر طبق ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو، انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی که منفردا یا مجتمعا متعلق به اشخاص خصوصی یا دولت یا شرکتهای عمومی یا سازمانهای اجتماعی یا تعاونی‌ها باشد توسط قوای اشغالگر ممنوع است؛ مگر در مواردی که انهدام آنها به واسطه عملیات جنگی ضرورت داشته باشد. این موضوع در نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز ملحوظ می‌باشد. دیوان در

پاراگرافهای ۱۳۲ و ۱۳۵ نظریه خود اشاره می‌کند که ساخت دیوار حائل بدون وجود هیچگونه ضرورت نظامی باعث انهدام و تخریب اموال عمومی شده که نقض مقررات لاهه ۱۹۰۷ و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ را به همراه دارد.

در مورد اموال عمومی غیر منقول، بر طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این اموال در سرزمینهای اشغالی باید بر طبق قواعد انتفاع از ملک اداره شوند.^(۲۴) به این معنی که قوای اشغالگر فقط اداره‌کننده و دارای حق انتفاع از بناهای عمومی، اموال غیر منقول، جنگلها و زمینهای کشاورزی در مناطق اشغالی می‌باشد؛ دولت اشغالگر باید از عین اموال محافظت کند و طبق قوانین حق انتفاع، عین و نمائات آنها را اداره کند.

بنابراین و مطابق این قاعده از قواعد حقوق بین‌الملل، دولت اشغالگر نمی‌تواند بدون وجود ضرورت حتمی نظامی، اقدام به تخریب یا انهدام اموال غیرمنقول عمومی در سرزمینهای اشغالی نماید. همچنین برعکس اموال منقول عمومی، در خصوص اموال غیرمنقول، مصادره و تصرف غیرقانونی در اموال منع شده است.

از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، اقدامات اسرائیل در تخریب و انهدام اموال عمومی غیرمنقول در سرزمینهای اشغالی برای ساخت دیوار حائل، با هیچ ضرورت نظامی حتمی انطباق نداشته و مغایر حقوق بین‌الملل است.

تعهدات حقوقی قوای اشغالگر در قبال اموال شخصی ساکنین سرزمینهای اشغالی

قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص وضعیت اشغال، اموال شخصی را نیز مورد حمایت قرار می‌دهد. اما ضروری است تا پیش از بررسی قواعد عام حقوق بشردوستانه در این خصوص، مساله خاص اخذ مالیات و سایر وجوه نقدی از مردم، توسط دولت اشغالگر مورد بررسی قرارگیرد.

مطابق مواد ۴۸، ۴۹ و ۵۱ مقررات لاهه ۱۹۰۷، دولت اشغالگر به طور کلی می‌تواند با توجه به ضوابط خاصی وجوهی را در قالب مالیات یا کمک‌های مالی از جمعیت

ساکن در سرزمینهای اشغالی جمع‌آوری نماید. البته در خصوص وضعیت فلسطین و با توجه به وجود دولت خودگردان فلسطین، به نظر می‌رسد چنین حقی دیگر به صورت عام برای قوای اشغالگر وجود نداشته باشد. این موضوعی است که در برخی از گزارش‌های تهیه شده در سازمان ملل متحد نیز به آن توجه شده و هرگاه اسرائیل از انتقال اینگونه وجوه به دولت خودگردان فلسطین ممانعت به عمل آورده مورد اعتراض واقع شده است. البته دیوان عالی اسرائیل در رای ۴ آوریل ۱۹۸۳ خود در قضیه شکایت فردی به نام ابو عطا از فرماندار منطقه جوده و سمیره، اسرائیل را در وضع قواعد مالیاتی جدید و اخذ مالیات در مناطق اشغالی محق شناخته است.^(۲۵)

اما به طور کلی و مطابق قواعد ۱۹۰۷ لاهه، اگر دولت اشغالگر در سرزمینهای اشغالی به جمع‌آوری مالیات و عوارض بپردازد، باید این امر را مطابق قوانین مالیاتی رایج در آن سرزمین صورت دهد و وظیفه دارد وجوه دریافتی را برای اداره سرزمینهای اشغالی هزینه کند. این قاعده در خصوص سایر وجوه نقدی که به عنوان کمکهای مالی نیز اخذ می‌شود قابل اجراست؛ با این تفاوت که اصولاً دریافت کمک‌های مالی در حقوق بین‌الملل منع شده، مگر آنکه کتبا اعلام شود و بالاترین مقام قوای اشغالگر مسوولیت آن را برعهده گیرد.

از نظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اموال خصوصی باید مورد احترام قرار گرفته و نباید مصادره شوند؛ مگر آنکه نابودی یا تصرف اموال مذکور به دلیل ضرورت قطعی نظامی، لازم باشد.^(۲۶) اما باید توجه داشت که مطابق ماده ۵۳ مقررات لاهه ۱۹۰۷، تمام وسایل موجود در زمین، دریا یا هوا که جهت مخبره اخبار یا جابه‌جایی نفرات یا اشیا استفاده می‌شوند، انبارهای اسلحه و به طور کلی هر نوع مهمات جنگی، توقیف می‌شوند، حتی اگر صاحب آنها شخص حقیقی باشد. این وسایل در مکانی نگهداری شده و پس از برقراری صلح، عین یا قیمت آنها به صاحب مال پرداخت می‌شود. در عین حال ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو، اشعار می‌دارد: «دولت اشغالگر نمی‌تواند خواربار و اشیا و لوازم طبی موجود در اراضی اشغالی را مصادره کند؛ مگر برای

نیروهای اشغالگر؛ و دولت اشغال کننده باید طبق قواعد بین‌المللی، ترتیباتی را اتخاذ نماید که غرامت هرگونه مصادره ای، به بهای واقعی آن پرداخته شود.»

از مجموع مباحث فوق می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سرزمین‌های اشغالی، اموال خصوصی باید مورد احترام باشند و نمی‌توان این اموال را مصادره نمود؛ مگر در شرایط خاصی که پرداخت غرامت را نیز به همراه خواهد داشت و در صورتی که غرامتی پرداخت نشود، اموال توقیف شده و اموال غیر منقول به صاحبان آنها بازگردانده خواهد شد.

عدم حمایت از اموال و دارایی‌های شخصی، از جمله مواردی است که در تمام اسناد سازمان ملل متحد به عنوان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط اسرائیل به آن اشاره شده است. شهرک‌سازی اسرائیلی‌ها در مناطق اشغالی فلسطینی همواره به دلایل امنیتی توسط اسرائیل توجیه شده است. اسرائیل ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی را به عنوان لوازم تامین امنیت نظامی، تلقی کرده است.^(۳۷) دیوان عالی اسرائیل نیز در رای ۱۵ مارس ۱۹۷۹ خود در بررسی شکایت فردی به نام ایوب علیه وزیر دفاع اسرائیل بر اینگونه توجیهات اسرائیل مهر تایید زده و احداث شهرک‌ها را در راستای منافع امنیتی و نظامی اسرائیل تلقی نموده است.^(۳۸) درحالی‌که به نظر می‌رسد ارائه تفسیری چنین موسع از مفهوم امنیت، به معنای نادیده گرفتن قواعد حقوق بین‌الملل در حمایت از اموال خصوصی باشد. همانطور که اشاره شد مطابق قواعد موجود، تصرف اموال خصوصی غیر منقول تنها می‌تواند دارای ماهیت موقتی باشد که البته به نظر نمی‌رسد ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق فلسطینی، واجد چنین ماهیتی باشد! برطبق گزارش‌های منابع خبری اسرائیلی، حدود یک سوم شهرک‌هایی که در کرانه باختری ساخته شده‌اند، در زمین‌های خصوصی فلسطینیان بنا شده که برای اهداف امنیتی و به صورت موقتی، مصادره شده بودند.^(۳۹) از سویی دیگر باید گفت که ساخت شهرک‌ها در مناطق اشغالی، به مراتب باعث تشدید ناامنی‌ها و درگیری‌ها شده و بنابراین در پیشبرد منافع امنیتی اسرائیل هم، راه به‌جایی نبرده است.

دیوان عالی اسرائیل در آرای دیگر خود در قضیه ساخویل^(۳۰) در ۶ نوامبر ۱۹۷۹ و النوار^(۳۱) در ۱۱ اوت ۱۹۸۵، ضمن عرفی خواندن قواعد ۱۹۰۷ لاهه، شکایت شکات فلسطینی را که از تخریب و انهدام منازل مسکونی خود توسط قوای اسرائیلی معترض بودند، با استدلال‌هایی مشابه رد کرده است. اما جالب است بدانیم که در راهنمای حقوق جنگ اسرائیل که در سال ۱۹۹۸ صادر شده است نیز اموال خصوصی، مصون از تعرض و توقیف قلمداد شده‌اند.^(۳۲)

بحث دیگر که در این خصوص باید به آن پرداخته شود مبحث غارت است که از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور کلی و نیز در سرزمینهای اشغالی منع شده است.^(۳۳) فرهنگ حقوقی بلک، غارت را تسخیر قهرآمیز اموال خصوصی توسط قوای دشمن معنا کرده است.^(۳۴) بر طبق مقررات حقوق بین‌الملل به ویژه ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۲۸ و ۴۷ مقررات لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری،^(۳۵) غارت و چپاول اماکنی که حتی به زور تصرف شده‌اند نیز ممنوع است.

بنابراین و بر طبق این قاعده، قوای اشغالگر در سرزمینهای اشغالی از چپاول و غارت اموال مردم منع شده است. البته باید دانست که مطابق عناصر متشکله جرم غارت که در ماده ۸ اساسنامه رم ۱۹۹۸ به آن اشاره شده است: «غارت زمانی محقق می‌گردد که برای اهداف شخصی صورت پذیرفته باشد».^(۳۶)

در مورد غارت، لازم است به این نکته نیز توجه شود که راهنمای حقوق جنگ اسرائیل نیز، غارت و چپاول را به شدت منع نموده و غارت را سرمنشا آثار اخلاقی و روانی مخربی برای سربازان و کل ارتش اسرائیل دانسته است. جالب اینجاست که در این راهنمای نظامی به مواردی از محاکمه و محکومیت سربازان اسرائیل به دلیل غارت اموال غیرنظامی اشاره شده و از اقدام این افراد به شدت ابراز تاسف شده است.

تعهدات حقوقی قوای اشغالگر در قبال اموال فرهنگی و میراث تاریخی موجود در سرزمینهای اشغالی

به هنگام بحث و صحبت از اموال، همواره باید اموال فرهنگی و مذهبی را نیز مدنظر قرار داد. کنوانسیون مصوب ۱۴ مه ۱۹۵۴ مربوط به حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه که با همت سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، به تصویب رسیده است،^(۳۷) اموال فرهنگی را در ماده ۱ این چنین تعریف می‌کند: «اموال منقول و غیرمنقولی که برای فرهنگ ملل دارای اهمیت زیادی می‌باشد. از قبیل آثار معماری، هنری یا تاریخی، مذهبی یا غیرمذهبی، اماکن باستانی، مجموع ساختمانهایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری می‌باشد، آثار هنری و نسخ خطی و کتب و سایر اشیا که دارای ارزش هنری تاریخی یا باستان شناسی باشند و همچنین مجموعه‌های علمی و مجموعه‌های مهم کتب و اسناد و نمونه‌های تقلیدی اموال مذکور در فوق، به‌علاوه بناهایی که این‌گونه اموال در آنها نگهداری می‌شود از قبیل موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ، بایگانی‌ها و مراکز آثار تاریخی.»

از منظر حقوق بشر دوستانه حاکم بر زمان اشغال نظامی و با توجه به مواد گوناگون مقررات لاهه ۱۹۰۷، کنوانسیون ۱۹۵۴ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۵۴^(۳۸) و ۱۹۹۹^(۳۹)، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل یکم الحاقی به آن: اموال دارای اهمیت برای میراث فرهنگی بشریت، نباید هدف حمله قرار گیرند؛ مگر آنکه به دلیل وجود ضرورت نظامی، اقدام به حمله گریزناپذیر باشد؛ هرگونه تصرف یا انهدام یا ایراد خسارت کلی به نهادهایی با ماهیت مذهبی، خیرخواهانه، آموزشی، هنری و علمی، بناهای تاریخی و آثار علمی و هنری ممنوع است؛ هرگونه دزدی، غارت یا سواستفاده و هرگونه خرابکاری در اموال دارای اهمیت زیاد برای میراث فرهنگی بشریت، ممنوع است؛ دولت اشغالگر باید از صادرات غیرقانونی اموال فرهنگی از سرزمین اشغالی جلوگیری کرده و اموالی را که به‌طور غیرقانونی خارج شده‌اند به مقامات صالح سرزمین اشغالی تحویل دهد.^(۴۰)

راهنمای ۱۹۹۸ حقوق جنگ اسرائیل در خصوص عدم حمله به آثار فرهنگی و مذهبی، خاطرنشان شده است که نیروهای ارتش اسرائیل باید مقررات مربوط به حمایت از اموال فرهنگی را که در کنوانسیون ۱۹۵۴ قید شده است، مراعات کنند. مطابق این دستورالعمل، حمله به هر مسجد یا کلیسا که به طور مستقیم خطری را متوجه نیروهای اسرائیل نمی‌کند، ممنوع است. البته باید خاطرنشان ساخت که به‌رغم وجود دستورالعمل فوق، نیروهای اسرائیل بارها با توجیه اقدامات خود به عنوان ضرورت نظامی، به اماکن مقدس و من جمله مسجدالاقصی حمله نموده‌اند که این اقدامات همواره با واکنشهایی از سوی سازمان ملل متحد و به ویژه کمیسیون وقت حقوق بشر این سازمان، روبه‌رو شده است.

جالب این است که دیوان عالی اسرائیل نیز از اقدامات منجر به تخریب و انهدام اموال فرهنگی، تاریخی و مذهبی حمایت نموده است. برای مثال این دیوان در ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ در قضیه شکایت فردی به نام هس علیه فرمانده ارتش اسرائیل در کرانه باختری، بر اقدامات این فرمانده در صدور دستوراتی برای تخریب برخی از مناطق تاریخی در کرانه باختری به‌منظور جلوگیری از حملات شبه‌نظامیان فلسطینی، مهر تایید می‌زند.^(۴۱)

دستاورد

شرایط انسانی در فلسطین اشغالی روز به روز وخیم‌تر می‌شود. به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ،^(۴۲) «...فلسطینیان تنها به کناری ایستاده و شاهد مصادره زمینهای خود هستند بی‌آنکه کاری از دستشان برآید. در طول سالها شهرک‌های یهودی‌نشین و جاده‌های اسرائیلی گسترش یافته و بخشهای بیشتری از زمین‌هایی را که خانواده‌های بسیاری برای چندین نسل به کشاورزی در آنها مشغول بوده‌اند، اشغال کرده‌اند. کرامت فلسطینیان هر روزه در کرانه باختری و غزه پایمال می‌شود...» و احیای این کرامت از دست رفته و پایمال شده میسر نخواهد بود مگر با عزم جدی جامعه بین‌المللی برای

پایان دادن به اشغال طولانی مدت سرزمین فلسطین.

آنچه بر مردم فلسطین می‌گذرد، بی تردید مجموعه‌ای از نقض حقوق بین‌المللی قراردادی و عرفی است که البته از سوی قوای اشغالگر مورد بی توجهی قرار می‌گیرد.^(۴۳) گزارش‌های سازمانهای بین‌المللی و حتی رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری^(۴۴) نیز نتوانسته مانع اقدامات اسراییل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین باشد.^(۴۵) بنابراین، بی تردید جامعه بین‌المللی باید برای برون رفت از این معضل چاره اندیشی نماید. تمامی دولت‌ها بر طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تعهد دارند تا جهت تضمین مراعات این حقوق با یکدیگر همکاری کنند. بنابراین، همه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی موظف اند برای پایان دادن به اشغال سرزمین فلسطین و مساله ساخت شهرک‌ها، رایزنی نموده و به اقدام مناسب، متوسل شوند.^(۴۶) همچنین حقوقدانان بین‌المللی شایسته است، مساله استمرار و اطاله اشغال نظامی را از منظر حقوقی مورد مطالعه مجدد قرار دهند تا همانطور که آقای دوگارد در گزارش خود به آن اشاره نموده،^(۴۷) آثار و پیامدهای به درازا کشیده شدن اشغال نظامی، از نظر حقوقی تبیین گردد. به ویژه در مورد مساله فلسطین و اسراییل، باید دید تا چه حد، تداوم اشغال و محاصره برای حدود نیم قرن، می‌تواند محدودیت‌هایی را در خصوص استناد قوای اشغالگر به "ضرورت نظامی"، به وجود آورد. ❖

پی‌نوشت‌ها:

1. Hague Convention of 18 October 1907 Respecting the Laws and Customs of War on Land, (Convention No. IV).

2. See, International Committee of the Red Cross «http://www.icrc.org/Web/Eng/siteeng0.nsf/htmlall/section_ihl_occupied_territory».

۳. برای مطالعه در خصوص موازین بین‌المللی حقوق بشری قابل اعمال در موارد اشغال نظامی بنگرید به:

Sylvain Vité, “The Interrelation of the law of occupation and economic, social and cultural rights: the example of food, health and property”, *International Review of the Red Cross*, vol. 90, No. 871, September 2008, pp. 629-653; Danio Campanelli, “The law of military occupation put the test of human rights law”, *Ibid.*, pp. 653-669.

۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص شهرک‌های اسرائیلی در مناطق اشغالی و نیز دریافت اطلاعات و نقشه‌های جدید بنگرید به:

Peace Now: “<http://www.peacenow.org.il/site/en/peace.asp?pi=51>”

5. UN Doc. S/RES/446.

6. “The Council determines that the policy and Practices of Israel in establishing settlements in the Palestinian and other Arab countries occupied since 1967 have no legal validity...”.

۷. کمیسیون متشکل از سه عضو شورای امنیت بود که توسط رییس شورا پس از رایزنی با اعضا شورا، منصوب می‌شدند.

8. UN Docs. S/13450 and Corr.1 and Add.1 and S/RES/452 (20 July 1979).

9. UN Doc. S/13679 and S/RES/456 (1 March 1980).

10. UN Doc. E/CN.4/2000/25.

11. See, Global Policy Forum

«<http://www.globalpolicy.org/component/content/article/189/38296.html>»

12. UN Doc. A/62/275.

13. ICJ, *Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, 9 July 2004 (A/ES-10/273).

14. UN Doc. A/62/360 (*Report of the Special Committee to investigate Israel Practices Affecting the Human Rights of the Palestinian People and Other Arabs of the Occupied Territories*).

15. UN Doc. A/RES/62/108, 17 December 2007.

16. UN Doc. A/63/519, 5 November 2008 (*Report of the Special Committee to investigate Israel Practices Affecting the Human Rights of the Palestinian People and Other Arabs of the Occupied Territories: Israeli Settlements in the Occupied Palestinian Territory, including Jerusalem and the Occupied Syrian Golan- Report of the Secretary General*).

17. See, for example Security Council resolutions 446 (1979), 456 (1980), 469 (1980), and 471 (1980) and General Assembly resolution 61/118.

18. UN Doc. A/RES/62/106.

19. UN Doc. A/HRC/10/19.

20. *Very serious violation*.

21. UN Doc. A/HRC/10/18.

22. See, Global Policy Forum

«<http://www.globalpolicy.org/component/content/article/189/38340.html>»

23. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law*, Vol. I, Cambridge University Press, 2005, p. 178, Rule 51.

ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با ویرایش کتابیون حسین نژاد و پوریا عسکری، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.

24. *Ibid.*

25. *Abu Aita et al. v Commander of the Judea and Samaria Region et al.*, H.C.69/81, Judgment of 4 April 1983, reprinted in *Israel Yearbook on Human*

Rights, vol. 13, 1983, pp. 348-359.

26. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *op.cit.*

۲۷. شایان توجه است که اسرائیل در ابتدا، ساخت شهرک‌ها را به موضوع امنیت خود متصل می‌نمود. اما رفته رفته با گسترش و توسعه شهرک‌ها، ادامه ساخت و سازها و نیز احداث دیوار حائل، با بهانه تامین امنیت خود شهرک‌ها و ساکنین آنها، توجیه می‌شود!

28. *Ayub et al. v Minister of Defence et al.*, Judgement of 15 March 1979, Case H.C. 606/78, reprinted in *Israel Yearbook on Human Rights*, vol. 9, 1979, pp. 337-342.

29. Meron Rapoport, "A Third of Settlements on Land Taken for Security Purposes", *Haaretz*, February 17, 2008, «<http://www.globalpolicy.org/component/content/article/189/38255.html>».

30. *Sakhwil et al. v Commander of the Judea and Samaria Region*, Judgment of 6 November 1979, H.C. 434/79, reprinted in *Israel Yearbook on Human Rights*, vol. 10, 1980, pp. 345-346.

31. *Al Nawar v Minister of Defence et al.*, Jugement of 11 August 1985, H.C. 574/82, reprinted in *Israel Yearbook on Human Rights*, vol. 16, 1986, pp. 321-328.

32. Israel, *Manual on the Laws of War*, 1998.

33. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *op.cit.*, pp. 182-185, Rule 52.

34. *Black's Law Dictionary*, Fifth Edition, West Publishing, St. Paul, Minnesota, 1979, p. 1033.

35. Rome Statute of International Criminal Court, 17 July 1998.

36. See: Knut Dörmann, *Elements of War Crimes under the Rome Statute of the International Criminal Court*, Cambridge University Press, 2003, pp. 272-281.

37. The Hague Convention of 14 May 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict.

38. Protocol to the Hague Convention of 14 May 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict.

39. Second Protocol to the Hague Convention of 14 May 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 26 March 1999.

۴۰. برای مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به:

Hirad Abtahi, "The Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflict: The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *Harvard Human Rights Journal*, vol. 14, 2001; *International Review of the Red Cross*, No.854, 2004, Special Issue: "Protection of Cultural Property in Armed Conflict"; International Committee of the Red Cross «http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/section_ihl_cultural_property».

41. *Hess v Commander of the IDF in the West Bank*, HCJ 10356/02, Interim decision, 12 February 2003.

۴۲. "کرامت انکار شده در مناطق تحت اشغال فلسطینی"، گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نوامبر ۲۰۰۷، فصلنامه اسلام و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، شماره ۶، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۳۸.

۴۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص وضعیت ساکنین مناطق اشغالی بنگرید به:

Katya Adler, "Challenge of Israeli settlements", *BBC News*, 3 March 2009, «http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/7919832.stm»

۴۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص مواضع اسرائیل در مورد کنوانسیون چهارم ژنو و نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری بنگرید به:

Djamchid Momtaz, "Israel and the Forth Geneva Convention: on the ICJ Advisory Opinion concerning the Separation Barrier", *Yearbook of International Humanitarian Law*, TMC Asser Institute, vol.8, 2005, pp. 344-356.

۴۵. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد بار دیگر در اجلاس شورای امنیت در ماه مه سال ۲۰۰۹، از اسرائیل می‌خواهد تا سیاست‌های خود در خصوص شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی را به طور اصولی تغییر دهد و بدین طریق پابندی خود به مذاکرات صلح را اثبات نماید. به نقل از:

Patrick Worsnip, "UN's Ban urges Israel to change settlements policy", *Reuters*, 11 May 2009,

«<http://www.reuters.com/article/worldNews/idUSTRE54A5MQ20090511>».

۴۶. باراک اوباما رییس جمهور ایالات متحده، در دیدار بنیامین نتانیاهو در ماه مه سال ۲۰۰۹، از وی خواست تا ساخت شهرک‌ها را متوقف نماید. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه دولت اوباما در ادامه تاکید نمود که منظور آنها تمامی اقدامات شهرک‌سازی مجاز و غیر مجاز

و نیز رشد طبیعی شهرک‌های در دست ساخت است. اما مارک رژو سخنگوی دولت اسرائیل بار دیگر بر اراده این دولت به ادامه ساخت و تکمیل شهرک‌های یهودی نشین در مناطق اشغالی تأکید نمود و هرگونه مذاکره در این خصوص را به مذاکرات آتی صلح، احاله داد. این در حالی است که مطابق طرح موسوم به "نقشه راه"، که مورد حمایت ایالات متحده نیز می‌باشد، اسرائیل متعهد است تا به ساخت و گسترش شهرک‌ها، پایان دهد. به نقل از:

“Israel rejects US call over settlement work”, *BBC News*, 28 May 2009, «http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/8071491.stm».

47. *Supra* note 12.